

فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌المللی

سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲

صفحات: ۸۵-۱۰۴

## همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس در پرتو انقلاب اسلامی ایران؛

### فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها

میر ابراهیم صدیق

استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

رامین بخشی تلیابی\*

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

مرتضی نجم‌آبادی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

خلیج فارس از جمله مناطق جغرافیایی با ویژگی‌های ممتاز در جهان است و از قرن‌ها پیش بطور پیوسته مورد توجه دولت‌ها بوده، بنابراین همواره در معرض رقابت‌ها و کشمکش می‌باشد، این منطقه در برگیرنده کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به علاوه ایران و عراق است که روابط میان ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس از جهات مختلف مورد اهمیت است. پرواضح است که عملیاتی کردن ایده همگرایی منطقه ای آن گونه که برخی مقامات ایران و دولت‌های عربی خلیج فارس در دوره‌های گذشته تا به امروز مطرح می‌کنند، بیشتر تعارفات دیپلماتیک است و عملیاتی شدن آن بدلیل ضعف‌های نهادی و کارکردی بسیار دشوار است. پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد همگرایی کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس از آموزه‌های انقلاب اسلامی چه تأثیری پذیرفته است، قابلیت‌ها و ظرفیتهای آموزه‌های انقلاب اسلامی برای همگرایی کشورهای اسلامی خلیج فارس چه اندازه می‌باشد و در عمل تحقق این آموزه‌ها با چه محدودیتها و موانعی مواجه بوده است؟ فرضیه ما بر آن است که چون انقلاب اسلامی ماهیت فرهنگی و اسلامی داشته است باعث فرصت در همگرایی شده است و از سویی چون تأکیدش بر نقش مردم، نفی استبداد و بر مبنای شیعه‌گری می‌باشد باعث شده به وسیله کشورهای محافظه کار خلیج فارس به چالش کشیده شود و با موانعی روبرو گردد.

**کلیدواژه‌ها:** همگرایی، انقلاب اسلامی، ایران، خلیج فارس، وحدت اسلامی.

## مقدمه

در این میان انقلاب اسلامی بیش از هر کشور دیگری در کشورهای حوزه ی خلیج فارس سرمنشأ تحولات دامنه دار از درون و بیرون گردید. آنچه می‌توان درباره بازتاب انقلاب اسلامی ایران در میان ملت‌های اسلامی بیان نمود حکایت از سطح بالایی از استقبال و همراهی با انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن دارد. و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیادی در میان ملت‌های اسلامی برای تحقق بخشیدن به همگرایی ملل اسلامی وجود دارد اما بخش دیگر همگرایی و وحدت در میان کشورهای اسلامی مربوط به دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی که غالباً بازتاب انقلاب اسلامی بر آنها با محدودیت و مانع مواجه بوده و در برخی موارد باعث ایجاد هراس و ترس آنها از انقلاب اسلامی ایران شده است. با آشکار شدن هر چه بیش‌تر کشمکش‌ها و منازعات دیرینه‌ی ساختاری در خلیج فارس، شکل‌گیری علائق و منافع واگرایانه میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس تشدید شده است. تحقق منطق همگرایی در خلیج فارس با در نظر گرفتن عواملی از قبیل هویت کشورهای منطقه ی خلیج فارس، تعریف آنها از چالش‌های امنیتی و میزان وابستگی آنان به حمایت قدرت‌های فرامنطقه ای با موانع جدی روبروست. آنچه مسلم است تحقق همگرایی کشورهای اسلامی در سطح دولت مستلزم ایجاد ائتلاف سیاسی در سطح منطقه‌ای و جهانی است که به نظر می‌رسد با محدودیت‌های زیادی مواجه است. یکی از آموزه‌ها، اهداف و پیام‌های انقلاب اسلامی، دعوت برای وحدت مسلمانان بود. انقلاب اسلامی در شرایطی این مهم را سرلوحه اقدامات خود قرار داد که زمینه‌های تفرقه و اختلاف میان کشورهای اسلامی، از سوی دشمنان اسلام به شدت تقویت می‌شد؛ لذا امام خمینی، ایجاد وحدت در میان مسلمانان را به‌عنوان یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب برشمرده و اعلام کرد «برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است؛ اتحاد ممالک اسلامی است؛ برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سرتاسر جهان» (صحیفه‌ی امام خمینی، ۱/۳۳۶) از سوی دیگر، حضرت امام خمینی، هم‌پیش از پیروزی انقلاب و هم پس از آن، نهضت‌های آزادی بخش و اصلاح طلب را مورد حمایت خود قرار می‌دادند، که جلوه بارز آن در نهضت مسلمانان فلسطین و قیام آنان علیه اسرائیل متجلی است. نهضت‌های اصلاحی و انقلابی که خواهان مبارزه با ظلم و استعمار بودند، بدون این که نسبت به گرایش‌های دینی و مذهبی آنان حساسیتی نشان دهند، مورد حمایت امام خمینی قرار داشتند. (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۳) انقلاب اسلامی ایران برای ملل تحت ستم به عنوان یک الگو محسوب می‌شود؛ الگویی که انقلاب ایران برای دولت‌ها و ملت‌های جهان سومی دارد، می‌تواند زمینه ساز الگوی رفتاری و هنجاری جدید باشد. در این انقلاب ملت ایران توانست نظام استبدادی و دست‌نشانده را سرنگون و حکومت اسلامی را به جای آن مستقر کند. (میرآقایی، ۱۳۷۹: ۹). پژوهش حاضر در پی آن است که

نشان دهد همگرایی کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس از آموزه‌های انقلاب اسلامی چه تأثیری پذیرفته است، قابلیت‌ها و ظرفیتهای آموزه‌های انقلاب اسلامی برای همگرایی کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس چه اندازه می‌باشد و در عمل تحقق این آموزه‌ها با چه محدودیتها و موانعی مواجه بوده است؟ فرضیه ما بر آن است که چون انقلاب اسلامی ماهیت فرهنگی و اسلامی داشته است باعث فرصت در همگرایی شده است و از سویی چون تأکیدش بر نقش مردم و نفی استبداد و بر مبنای شیعه‌گری می‌باشد باعث شده به وسیله کشورهای محافظه کار خلیج فارس به چالش کشیده شود و با موانعی روبرو گردد.

### چارچوب نظری

همگرایی هم می‌تواند به عنوان فرایند وهم وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند. فرایند یا فرایندهای دخیل در آن نیز عبارتند از وسایل و ابزارهای که این اجتماع از طریق آنها حاصل می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰) همگرایی رابه بهترین وجه به صورت یک فرایند می‌باید تجزیه و تحلیل کرد، زیرا حرکتی است در زمینه افزایش همکاری میان دولتها. (قوام، ۱۳۸۸: ۴۴) «مهم‌ترین عامل برای شکل‌گیری همگرایی، وجود توافق عمومی و اجماع واحدهاست. همگرایی محصول دینامیسم منطقه‌ای و پویایی و رابطه کشورها با یکدیگر است.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹) اکثر نظریه‌های همگرایی، همگرایی منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند. می‌توان در وهله اول به نظریه‌های اقتصادی مانند نظریه اتحادیه گمرکی اشاره کرد. اکثر این نظریه‌ها ایستاهستند و به پویایی‌های همگرایی، مانند تغییر در قواعد و سیاست‌های حاکم بر مناطق اقتصادی نمی‌پردازند. شاید بتوان نظریه ارتباطات دویچ در زمینه همگرایی را نیز در ابعادی موید نظریه مبادلات و تجارت و تأثیر آن بر همگرایی دانست. دویچ از منظر تجربی و علمی به همگرایی در سطوح مختلف می‌نگرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱) دویچ رابطه ارتباطات با همگرایی جوامع سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد. (دوئرگراف و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۶۷) به نظر دویچ، همگرایی مانند یک خط مونتاژ است که در جریان تاریخ شکل می‌گیرد. (مشیرزاده ۱۳۸۹: ۴۴)

در رهیافت سیاسی به همگرایی، بر ابعاد نهادی و سیاست گذارانه تأکید می‌شود. معروف‌ترین نظریه‌های سیاسی همگرایی کارکرد گرایی نوکارکرد گرایی هستند. کارکرد گرایی با نام دیوید میترانی در پیوند است. به نظر او، سرمنشأ تعارضات میان دولتها وجود شکافهای سیاسی است و نمی‌توان بر این شکافها با توافق حقوقی نائل آمد. فرض او بر این است که اقتصاد و سیاست را می‌توان از هم جدا کرد. آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود در عرصه سیاست پایین یا

ملازم قرار می‌گیرد و امکان همکاری در آن هست. (همان: ۶۰) نظریه کارکردگرایی واکنشی بود به آنچه در اروپا انجام شده بود و تا حدودی همگرایی اروپایی را توضیح می‌داد ولی کافی نبود. امروزه اقتصاد سیاسی شده و اهمیت مسائل اقتصادی اگر بیشتر از مسائل سیاسی نباشد کمتر هم نیست. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۲) حاکمیت‌ها در هم ممزوج می‌شوند و فنون جدیدی برای حل و فصل تعارضات میان کشورها تدبیر می‌گردد. هاس برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملاً جدا از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی اذعان دارد. از یک سو، همگرایی مستلزم وجود نهادهای فراملی و فوق ملی در سطح منطقه‌ای است. از سوی دیگر، گروه‌های ذی نفع و احزاب سیاسی در داخل کشورها هستند که منافعی را در همگرایی دنبال می‌کنند. این‌ها معمولاً پیوندهای فراملی نیز دارند. در این برداشت از همگرایی تأکید بر «منافع» است. (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲)

تصور هاس در یکی از آثار وی چنین است که همگرایی «منحصراً به فرایندی اشاره دارد که یک نظام بین‌المللی عینی و مشخص را به نظام عینی نه چندان مشخص در آینده مبدل می‌سازد.» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۶۶۷) هاس با این انتقاد از میترانی که وی به اندازه کافی به عنصر «قدرت» توجه نکرده است، تصریح می‌کند که قدرت را از رفاه نمی‌توان جدا کرد. (همان: ۶۷۴) لیندبرگ به همگرایی همچون یک «فرایند چندبعدی تعامل آمیز» می‌نگرد که باید مورد شناسایی، مقایسه، سنجش و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (همان: ۶۸۷)

اما آنچه در همگرایی اهمیت دارد فرایندی است که به نظر می‌رسد می‌تواند به تعمیق و گسترش همگرایی کمک کند. هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر می‌شود و همگرایی از بخشی به بخش دیگر «سرریز» می‌کند و این روند ادامه می‌یابد. این راه‌اس «همگرایی بخشی» می‌نامد. افول فرایند همگرایی در دهه ۱۹۶۰ و تأکید دولت‌هایی چون فرانسه بر منافع ملی در برابر ترتیبات منطقه‌ای، نظریه نوکارکردگرایی را با بحران روبرو ساخت. عدم توجه کافی به تداوم اهمیت ملی‌گرایی، استقلال بخش سیاسی، و تعامل میان محیط بین‌المللی و منطقه همگرا از جمله انتقادات وارد بر آن بود. (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۴)

لذا به طور خلاصه نظریه‌های همگرایی مانند فدرالیسم و کارکردگرایی و نوکارکردگرایی و نظریه ارتباطی دویچ بر جنبه‌های سیاسی و اقتصادی تأکید دارند. و در میان نظریه‌ها نظریه کارکردگرایی نوین جوزف نای ابعاد فرهنگی و ارزشی همگرایی میان کشورها را مورد تأکید قرار داده است و جوزف نای در کتاب قدرت نرم بر بعد فرهنگی، ارزشی و ایدئولوژی همگرایی کشورها تأکید زیادی دارد. بنابراین با توجه به اینکه انقلاب ایران یک انقلاب فرهنگی و ارزشی است می‌توان همگرایی کشورهای اسلامی خلیج فارس در پرتو انقلاب اسلامی را با توجه به نظریه جوزف نای توضیح داد. این نظریه در بحث همگرایی بر محورهایی مانند جاذبه ایدئولوژیک و هویت بخشی، تسری و گسترش، جامعه‌پذیری نخبگان، ائتلاف سیاسی و شرکت بازیگران خارجی. تأکید دارد که در این

مقاله با توجه به محورهای ذکر شده تأثیر انقلاب اسلامی بر همگرایی کشورهای اسلامی خلیج فارس در سه بعد فرصت‌ها، محدودیت‌ها و راهکارها مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

### انقلاب اسلامی و فرصت‌های همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی - رحمه الله علیه - و همت ملت قهرمان ایران، بازتاب‌های فراکشوری و بین‌المللی از خود به جا گذاشت و در واقع جامعه بین‌المللی را متأثر داشت.

#### الف: جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت بخشی

قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران با توجه به حاکمیت دو تفکر اومانیسم و ماتریالیسم در جهان، چنان القا می‌شد که نظام‌های حکومتی منحصراً باید به یکی از دو شیوه لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی باشد و چنانچه انقلابی در جهان رخ دهد، چاره‌ای جز اتکا به تفکر اومانیسم و یا ماتریالیسم نداشته و باید تحت حمایت یکی از دو بلوک شرق یا غرب باشد. (بابی، ۱۳۷۹: ۲۱) بر این اساس بسیاری از نظریه پردازان انقلاب بر آن بودند که انقلاب اسلامی ایران را در چارچوب یکی از این دو تفکر تحلیل نمایند در حالی که انقلاب اسلامی هم در تأسیس و پیروزی و هم در اهداف و سیر حرکت خود، جدای از این دو تفکر بود. بلکه چالشی علیه نظام اختاپوسی سرمایه داری دنیا از یک طرف و نظام الحادی مارکسیستی از طرف دیگر بود و چون مستقل بود با هیچ کدام کنار نیامد. در حقیقت انقلاب اسلامی در عصر غربت دین که دین به عنوان مخدّر جامعه معرفی می‌شد، به وقوع پیوست و شعار ضرورت مهندسی دین در حیات فردی و اجتماعی بشر را سرلوحه خویش قرار داد و الگوی خود را بعثت پیامبر (ص) در صدر اسلام و رسالت خود را نیز رسالت انبیاء معرفی کرد.

- جاذبه‌های انقلاب اسلامی به طور خلاصه عبارتند از:

#### ۱- حمایت از مستضعفین

انقلاب اسلامی دارای آرمانها و اهداف جهانی است. حمایت از مظلومان جهان، مبارزه با استکبار و گسترش ارزشهای الهی از اهداف بزرگ انقلاب اسلامی است. بر اساس هدایتها و رهبری امام خمینی(ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای(ره) یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران "حمایت از مستضعفین جهان به ویژه مسلمانان" است. (جمشیدی ۱۳۸۴: ۲۰۹)

با وجود آنکه حمایت از مظلومین جهان هزینه‌های سیاسی و اقتصادی فراوان در تقابل با کشورهای سلطه‌گر جهان داشته است، نظام جمهوری اسلامی ایران از تمام امکانات خود برای حمایت از مظلومین به خصوص مسلمانان تحت ستم استفاده کرده و می‌کند. در هر حال، حمایت از محرومان و مظلومان از سیاستهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران است که همواره خود را مقید به اجرای آن در هر نقطه از عالم می‌داند.

## ۲- وحدت‌گرایی اسلامی

ایران همیشه وحدت‌کشورهای اسلامی به وزه در منطقه خلیج فارس را مد نظر داشته است و اهمیت فرآوان داده است یکی از اصول وحدت‌واحد اسلامی می‌باشد. مت واحد: اصطلاحی است که ریشه قرآنی دارد و باید برای معرفت و شناخت این دو واژه که از «امه» و «واحد» تشکیل شده به آیاتی از قرآن که به آن اشاره شده مراجعه کنیم:

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ... (هود، ۱۱۸)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ... (مائده، ۴۸)

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ. (بقره، ۲۱۳)

این دو واژه در قرآن کریم در بین آیات کریمه آمده است، ولی واژه امه در بسیاری از آیات آمده است و معانی مختلفی دارد. منظور آیات قرآن از مطرح کردن این دو واژه این است که می‌فرماید انسان در مراحل اولیه زندگی از یک گروه و یک تیره تشکیل می‌شد و از نظر طبقات اجتماعی و اقشار اجتماعی یک طبقه بود و همه یکی بودند و تمایز طبقاتی و گروهی و ادیان مختلف و مذاهب فرق در این مرحله از زندگی انسان راه نداشت. و این امر کاملاً طبیعی است چون انسان از آغاز به خاطر کمی جمعیت محدود بود در یک منطقه خاص و بر اساس قرآن کریم انسان و اولین اجتماع انسانی محدود در منطقه‌ای بود که حضرت آدم و اولادش و نسلهای بعدی او در آنجا زندگی می‌کردند و از یک شریعت و گروه تشکیل می‌شدند و دارای یک آداب و رسوم عرفی و اجتماعی و فرهنگی بودند و امکانات زندگی مشترک داشتند و همه در یک حد از امکانات برخوردار بودند، در اینحال وحدت کامل از هر جهت محقق بود، لذا قرآن از گذشته انسان به امت واحد یاد می‌کند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۲)

بی تردید از مهم‌ترین مسائل امروز جهان اسلام، وحدت است که به دلایل زیر ضروری می‌نماید:

- وحدت اسلامی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می‌تواند، تکیه گاه استواری برای مسلمانان، در رویارویی‌های فرهنگی بین تمدن‌ها باشد، زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت‌های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری مترقی برخوردارند؛ اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده، اتحادی ایجاد نشود - چنان که در حال حاضر چنین است - این مجموعه عظیم کارایی نخواهد داشت. (حکیم، ۱۳۷۷: ۳۱)

- وحدت اسلامی می‌تواند، زمینه گسترده‌ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله، در رویارویی‌های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

- وحدت اسلامی موجب الگو شدن دیدگاه‌های اسلامی است. (همان: ۳۵)

- وحدت اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید. قرآن کریم بر این نکته تاکید دارد که وحدت، مایه استواری و نیرومندی

است و اختلاف موجب شکست و سستی است: «و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين» (انفعال، ۴۶) و اختلاف کلمه نداشته باشید که بد دل خواهید شد و شأن و شوکتان بر باد می‌رود و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

- وحدت اسلامی دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است. (همان: ۱۱۵)

- وحدت، عامل اساسی در پیروزی پیامبر اسلام و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود؛ وحدت همواره و در همه جا عامل پیروزی بوده و خواهد بود. (صلاح الدین، ۱۳۸۴: ۵۱۳)

نظریه‌ام القرای را هم می‌توان اینجا آورد البته این نظریه باعث اختلاف ایران و کشورهای اسلامی خلیج فارس گردیده است به خصوص کشور عربستان سعودی. نظریه‌ای برای تبیین خط مشی سیاست خارجی و تحلیل مرزهای قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ایران در جهان اسلام است که در دهه ۱۳۶۰ از سوی محمدجواد لاریجانی مطرح شد. بر اساس این نظریه جهان اسلام یک امت واحد است و ملاک وحدت امت رهبری آن است. اگر کشوری بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی اش فراتر برد، در موقعیت ام‌القرای جهان اسلام قرار می‌گیرد.

از نظر مبتکران این نظریه، ایران پس از انقلاب اسلامی در چنین جایگاهی قرار گرفته و روح الله خمینی با تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در دو شأن رهبر ایران و رهبر امت اسلام قرار گرفت. به این ترتیب حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظفند از ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند. در صورتی که میان منافع ام‌القرای و منافع امت تعارضی پیش آید منافع امت همواره مقدم است مگر در حالتی که مسئله بر سر حفظ نظام اسلامی در ام‌القری باشد. بر اساس این نظریه حفظ ام‌القری بر هر چیز دیگر اولویت دارد و در صورت لزوم می‌توان احکام اولیه اسلامی را هم برای حفظ آن به تعویق انداخت. (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۱) پس از پایان جنگ ایران و عراق و مرگ آیت‌الله خمینی سیاست‌ها و راهبردهای ایران عمدتاً بر اساس نظریه رئالیستی ام‌القری شکل گرفت که عملاً جایگزین تئوری ایده‌آلیستی «صدور انقلاب» شده است.

## هویت بخشی انقلاب اسلامی ایران

۱- احیای تفکر اسلامی

از جمله ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران اینست که این انقلاب زمانی به وقوع پیوست که اصول و مبانی دینی در جهان رنگ باخته بود و بسیاری از مردم باورهای دینی خود را پنهان

می‌کردند تا کمتر مورد تمسخر افراد لائیک و بی‌دین قرار گیرند. در چنین شرایطی انقلابی دینی با هدف احیای هویت اسلامی و برپایی حکومتی دینی، تحول عظیمی را نه تنها در ایران بلکه در سطح جهان ایجاد کرد. روزنامه تایمز در باره این تحول عظیم چنین نوشت: "اوج‌گیری خیزش مذهب و انقلاب، سراسر جهان را در نوردید و دنیای غرب به دلیل انقلاب ایران بار دیگر اسلام را کشف کرد." چرا که مردم دنیا متوجه این امر شدند که این انقلاب با همه شگفتی‌هایی که آفرید، و پیروزی‌های پی‌در پی و سریعی که کسب کرد، بیش از همه مدیون و پیامد چیزی بود که تا قبل از آن کمتر در انقلاب‌های مختلف جهان به چشم می‌خورد و آن آموزه‌های ناب دین اسلام و احیای تفکر و هویت اسلامی بود که توانست مردم بسیاری را بسیج کند و با دست خالی آنها را به براندازی یکی از مجهزترین رژیم‌های سیاسی منطقه و جهان توانا سازد. (Ahmad, 1982: 287) تداوم اسکاچپول جامعه‌شناس معروف امریکایی درباره وقوع انقلاب اسلامی می‌نویسد: «سقوط رژیم شاه و آغاز نهضت انقلابی ایران از ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، یک شگفتی ناگهانی برای ناظرین خارجی بود. از دوستان شاه گرفته تا رونامه نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی ... همه ما حوادث انقلاب را با حیرت و ناباوری نظاره می‌کردیم، بالاتر از همه انقلاب ایران، پدیده‌ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بود.» (Skocpol, 1982: 257) بنابراین یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی احیای دوباره تفکر اسلامی و نگاه دینی در جهان بود که سال‌ها توسط اندیشمندان سکولار و لائیک به فراموشی سپرده شده بود.

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، سیر و حرکت عمومی دنیا به سوی معنویت خصوصاً به سوی دین اسلام، در تمامی کشورهای جهان به راحتی قابل مشاهده است. انقلاب اسلامی با ارائه تصویری کارآمد از دین به عنوان پدیده‌ای معنوی توانست نقش آموزه‌ها و اعتقادات دینی را به عنوان منبع معرفتی و راهنمای زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی فراروی همه مردم جهان قرار دهد. شبکه اول تلویزیون بی‌بی‌سی انگلیس در یکی از قسمت‌های مجموعه برنامه مستند خود به نام "قرن دوم" که به مناسبت نزدیک شدن به قرن ۲۱ تهیه کرده بود؛ اذعان کرد: "آن چه در ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای تمام ادیان جهانی، نقطه عطفی بود. نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول گرائی مذهبی خبر می‌دهد. ... در سراسر جهان، پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندو نیز به اصول گرائی مذهبی روی آورده‌اند. حتی در ترکیه نیز که هفتاد سال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود، روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است." (kedi, 1982: 224) پروفیسور هدی، اندیشمند مقیم اتریش می‌گوید: "آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی، حاکی از این است که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند. در تمام مکاتب از هندوئیسم گرفته تا بودیسم و ... و انواع فرقه‌های مسیحیت، همه از یک نوع



بازگشت به تفکر دینی خبر می دهند. و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت." (L. Goldfrank, 1982: 363)

## ۲- طرح اسلام سیاسی

اسلام سیاسی یک ایدئولوژی سیاسی است که با قرائتی تماماً سیاسی از اسلام ایجاد حکومت اسلامی را در صدر خواسته‌های خود قرار داده است. این خواسته در دهه ۲۰ شمسی در ایران و تقریباً در همین زمان در برخی دیگر از کشورهای اسلامی مطرح شد. اسلام سیاسی در ایران در چالشی سخت و طولانی نگرش‌های رقیب را پشت سر گذاشت و با به زیر کشیدن سلطنت پهلوی قدرت و حکومت را در اختیار گرفت. اسلام را می‌توان از جهات گوناگون سیاسی‌ترین دین بزرگ جهان دانست. توانایی این دین در پاسخگویی به پرسش‌های سیاسی و رفع معضلات آن و آمادگی آن برای دفاع از خود در مقابل چالش‌های نظری سیاسی همه از این واقعیت مهم حکایت می‌کند؛ برای نمونه دین مبین اسلام از همان آغاز رهبری داشت که صرفاً رهبری دینی نبود، بلکه رهبری بود که دولت تشکیل داد و به اقدامات مهم سیاسی دست زد تا جامعه‌ای را که در آستانه فروپاشی و انشقاق بود گردهم جمع کند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۳۳)

از امتیازهای مهم دیگر نهفته در آخرین دین الهی این مطلب است که در زمانی که اندیشه‌های بیگانه و متضاد با ارزش‌های اصیل انسانی در حال حاکمیت یافتن بودند، جنبه‌های سیاسی اسلام به خوبی خود را نشان داد و توانست روشنگری لازم را پدید آورد. در واقع در گذشته نزدیک اسلام تنها دین در میان ادیان بزرگ جهان بود که آمادگی مخالفت با حاکمیت و هیمنه غرب را از خود نشان داد و به همین دلیل است که فردی به نام هانتینگتون بعد از فروپاشی شوروی کوشیده است قدرت و دشمن جدیدی به نام اسلام را در مقابل امریکا قرار دهد و آن را جانشین ابرقدرت ازهم پاشیده شرقی سازد. (فیشر، ۱۳۸۳: ۱۷۸) توجه به طبیعت متنوع جهان اسلام می‌توان گفت که اسلام سیاسی بیشتر از آن مسلمانانی است که در جستجوی اصول و بنیان‌های اعتقادی‌اند و آن را منبع مشروعیت و اقتدار می‌دانند. تعبیر اسلام سیاسی در حقیقت به احکام بنیادین اعتقادی باز می‌گردد که در قرآن و روایت به نوعی بر آنها تأکید شده است و افراد می‌کوشند در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی از پابندی و التزام به آن دور نگردند. (رضوان، ۱۳۸۴: ۱۳) در اصل، اسلام سیاسی را می‌توان به نوعی احیاگرایی ایدئولوژیک در سطح بین‌المللی هم دانست. در این زمینه برای نمونه باید به رهبران سیاسی ایران و گروه‌های اجتماعی گوناگونی اشاره کنیم که انقلاب اسلامی را برای مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی طراحی کردند و نسبت به مداخلات بیش از حد کشورهای غربی عکس‌العمل نشان دادند و بدین ترتیب موجی از مقاومت را در برابر توسعه‌طلبی‌های غربی پدید آوردند. این امر ماهیت ایدئولوژیک داشت؛ به همین دلیل است که به اسلام گرایی سیاسی معروف شد؛ در واقع انقلاب اسلامی ایران را، که نشأت گرفته از اسلام سیاسی است، باید عکس‌العملی در برابر توسعه‌طلبی

کشورهای غربی دانست. (دکماجیان، ۱۳۷۹: ۲۳) چنین مسائلی نشان می‌دهد که اسلام سیاسی، به معنای واقعی آن، ابزاری برای مقاومت در برابر تهدیدهای غرب و هر دشمن بیگانه دیگری فراهم می‌کند و با کمک از ریشه‌ها و بنیادهای اعتقادی، انسجام ایدئولوژیک را بین کشورهای اسلامی به‌وجود می‌آورد.

### **ب: تسری و گسترش**

در بحث تسری و گسترش مساله تجارب کشورهای همگرا در فرایند همگرایی از اهمیت خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که اگر کشورهای همگرا از همکاری و تعاون با یکدیگر در عرصه‌های مختلف شاهد تجارب مثبت و تأمین منافع متقابل باشند، این امر باعث تسری و گسترش همگرایی از یک حوزه به حوزه دیگر می‌گردد. تسری و گسترش در حوزه انقلاب اسلامی ایران نیز می‌تواند بدین معنا باشد که کشورهای اسلامی با مشاهده تجربه مثبت ملت ایران در از بین بردن نظام پادشاهی، رها شدن از سلطه و کسب آزادی در پی تسری دادن آن به کشور خود باشند. در این صورت الگوی انقلاب اسلامی ایران با توجه به جاذبه‌های فرهنگی و سیاسی به سرعت در میان ملل محروم و مستضعف گسترش یافته و باعث بوجود آمدن فضای فرهنگی و سیاسی جدید گردیده و می‌تواند به عنوان یک فرصت در همگرایی کشورهای اسلامی مؤثر واقع شود. (سجادی، ۱۳۸۶: ۱۳)

### **محدودیت‌ها و چالش‌های همگرایی اسلامی در حوزه خلیج فارس**

واقعیت موجود نشان می‌دهد که کفه ترازوی واگرایی بر کفه همگرایی در جهان اسلام بسیار سنگینی می‌کند از مهمترین عوامل واگرایی که در پاسخ به سؤالات پیشین بصورت پراکنده به برخی از آنها اشاره شد، عبارتند از:

الف) عوامل بیرونی

ب) عوامل درونی

**مهم ترین عوامل بیرونی که موجب شکنندگی وحدت مسلمانان می‌گردند و باعث**

**تضعیف جامعه اسلامی می‌شوند عبارتند از:**

۱- تفرقه افکنی استعمار در کشورهای اسلامی

۲- سلطه اقتصادی غرب

۳- تهاجم فرهنگی برای سلب هویت فرهنگی

۱- تفرقه افکنی استعمار در کشورهای اسلامی و کوشش برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی شان باعث دامن زدن به اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و نژادی میان مسلمانان و از هم گسیختگی جوامع اسلامی است. دولت‌های استعماری از راه دولت - ملت سازی، وابستگی فکری و اقتصادی و به کار

گرفتن افراد وابسته در قسمت‌های حساس، زمینه‌ی جدایی کشورها و ملت‌های مسلمان را فراهم می‌آورند. (حافظ نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۳)

۲- سلطه اقتصادی غرب، دیگر عامل تفرقه و جدایی است. در گذشته مسلمانان بر مهمترین راه‌های تجاری جهان تسلط داشتند و به تعبیر امروز راه‌های استراتژیک دنیا در کنترل مسلمانان بود و بر راه‌های دریایی و جاده ابریشم مسلط بودند، اما اینک شاهراه‌های تجاری در دست قدرت‌های غربی است و تعریف تجارت و اقتصاد با گذشته متفاوت است. اقتصاد امروز مبتنی بر اطلاعات، صنعت و تبدیل است و صنعت در اختیار کشورهای پیشرفته می‌باشد. (همان، ۱۷)

کشورهای بزرگ و توسعه یافته غربی با در دست داشتن شالوده‌های اقتصاد جهانی در دست خود، به هر نحوی که اراده کنند، کشورهای جهان سوم و به خصوص دنیای اسلام را خط مشی سیاسی، فرهنگی می‌دهند. زیرا وابستگی اقتصادی دنیای اسلام به غرب آن قدر جهان اسلام را تضعیف ساخته که حتی سیاست و فرهنگ و دین را هم در این کشورها متأثر از وابستگی اقتصادی کرده است. از طرفی «اتحاد اسلامی» هم خطری جدی برای دنیای غرب محسوب می‌شود لذا همواره اقتصاد را اهرمی برای شکل نگرفتن این اتحاد دانسته و مانع «وحدت» مسلمانان شده است. به عنوان نمونه، اقتصاد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، گذشته از نفت تقریباً به طور کامل وابسته به کشورهای قدرتمند غربی است. در آفریقا هم کشورهای اسلامی متأثر از سیاست‌های استعماری دوران گذشته، اقتصادی وابسته دارند. این وابستگی‌ها باعث می‌شود که قدرتهای بزرگ از ظهور و بروز یک اتحاد اسلامی که بتواند اقتصادی قدرتمند را در پی بیاورد جلوگیری کنند مثلاً بانک اقتصاد اسلامی و نیز سازمان کنفرانس اسلامی همیشه به علت کم کاری کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند پیشرفت و رونق قابل توجهی داشته باشند چون اغلب دولت‌های اسلامی از سوی کشورهای بزرگ در فشار هستند و قادر نیستند به تمام معنا در پی تشکیل اتحاد سیاسی اقتصادی اسلامی باشند زیرا با شکل گیری یک اقتصاد واحد اسلامی در میان کشورهای اسلامی، سرمایه گذاری‌های قدرتهای اقتصادی در کشورهای اسلامی تعطیل خواهد شد و این خطری است که اقتصاد استعماری را تهدید می‌کند.

۳- عامل بیرونی دیگر، هجوم فرهنگی غرب بر جوامع اسلامی است. قدرت‌های بزرگ از راه تسلط بر شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی کوشش می‌کنند که عادات و آداب خود را در دیگر کشورها نیز رواج دهند و فرهنگ‌های دیگر ملل را تضعیف نمایند. این آشکار است که وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمان با رواج فرهنگ غرب از جامعه اسلام رخت بریندد، «اتحاد» که یکی از مظاهر فرهنگ اسلامی است، هیچ وقت در کشورهای اسلامی و بین مسلمین محقق نخواهد گشت. (صادقی و شوشتری، ۱۳۸۹: ۲۳)

با تهاجم فرهنگی غرب، هویت فرهنگی مسلمانان به خطر می‌افتد زیرا رسوخ فرهنگ منحط

غرب در کالبد فرهنگی جوامع مسلمان، باعث کج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلام و تعطیل شدن حدود، تنگ نظری در علوم مذهبی، مسخ ارزشهای عقیدتی و اخلاقی و نابسامانی آموزش و پرورش دینی خواهد شد و آن وقت است که همان آشفتگی و پراکندگی غربی که در جوامع مدرن حاکم است به طوری که انسان‌ها را از هم دور ساخته است، در جوامع اسلامی نیز حاکم می‌شود و به طور مثال مسلمان دیگر پایبند به آن فرموده رسول اکرم (ص) نیست که «کسی که صبح کند در حالی که به فکر امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست». زیرا تعلیمات اسلامی و مذهبی و هویت اسلامی از کالبد فرهنگی او رخت بر بسته است.

### دسته دوم عوامل شکننده وحدت، موانع درونی می‌باشد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- خودباختگی و عدم اعتماد به نفس
  - ۲- ناسیونالیسم
  - ۳- انحطاط علمی و فرهنگی
  - ۴- تعصب کور مذهبی
  - ۵- غیر مردمی بودن دولتهای اسلامی
  - ۶- دنیا زدگی دولتهای اسلامی
  - ۷- غفلت دنیای اسلام از اولویتهای جهان اسلام (عیوضی ۱۳۸۷: ۹)
- ۱- عمده عوامل درونی به سکون جوامع اسلامی و رها شدگی مسلمانان باز می‌گردند. مسلمانان دنیای امروز نقطه اصلی اتکای خود را گم کرده‌اند. و در دایره هستی احساس سرگردانی می‌کنند. مسلمان، اینک با پدیده‌ای به نام «مدرنیسم» مواجه شده است؛ که بدون هیچ زمینه‌ای باید آن را هضم کند و فضایی را تجربه کند که هرگز آن را ندیده و تنها راه نجات «بازگشت به خویشتن اسلامی» است؛ راهی که امام خمینی (ره) علامه اقبال و سایرین آن را تنها راه حل دانسته‌اند.
- ۲- ناسیونالیسم؛ عنصر دیگری که رسیدن به «وحدت اسلامی» را با مشکل مواجه می‌کند، «ناسیونالیسم مدرن» است. در این نوع ملی‌گرایی، مردم هر کشوری خود را برتر از همه می‌دانند و همه امکانات و منافع را برای خود می‌خواهند و به دیگر کشورهای اسلامی به دیده رقیب می‌نگرند.
- ۳- دیگر عامل درونی که به خود مسلمانان باز می‌گردد، انحطاط فکری و فرهنگی و علمی است. با انحطاط فکری و فرهنگی و علمی در اثر «فقر علمی» اغلب افراد، کم سواد یا بی سواد و وضعیت علم و دانش در کشورهای اسلامی که تأسف بار است. گویی این مردم هیچ گونه پشتوانه‌ی علمی و مدنی نداشته‌اند و حال آنکه هنگامی که غرب در قرون وسطی دوران رکود را سپری می‌کرد، دامنه

تمدن اسلامی تا دورترین نقاط جهان امتداد یافته بود. با عدم آگاهی مردم از عوامل مهم حضور استعمار، باعث ظهور استبداد و بروز هرج و مرج است و این زمینه ای شد تا در اوایل قرن بیستم، کشورهای اسلامی از هم دورتر و دورتر شوند و اندیشه اتحاد به آرزویی محال تبدیل گردد.

۴- عامل درونی دیگر، تعصب گرایی کور مذهبی است که مسلمانان را از تلاش برای نزدیک ساختن دیدگاه هایشان باز می دارد. در حالی که هیچ یک از رهبران مذاهب اسلامی به پیروان خود سفارش نکرده اند که برای حفظ مذهبشان عقاید خود را بر اساس تعصب شدید نسبت به دیگران یا دشمنی با سایر مذاهب استوار سازند. این تعصب گرایی مسلمانان را از یکدیگر دورتر و دورتر می کند. جهل و ناآگاهی مسلمانان از مذاهب یکدیگر؛ این هم مشکل دیگری در راه وحدت است نه تنها مسلمانان نسبت به مذهب خود تعصب دارند بلکه به دنبال مطالعه سایر مذاهب هم نمی روند. اگر پیروان فرق اسلامی از ماهیت سایر مذاهب، آن چنان که بنیانگذاران حقیقی آنها بیان داشته اند، آگاهی کامل داشته باشند بدون تردید بسیاری از تعصبات و بدبینی ها برداشته می شود.

۵- غیر مردمی بودن دولتهای اسلامی:

چنانچه قبلاً ذکر شد استعمار با تسلط اقتصادی و سیاسی خود در کشورهای اسلامی همیشه سعی می کند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مهره های مورد نیاز خود را در این کشورها بر سر کار آورد. چنانچه می دانیم در اکثر بلاد اسلامی، سردمداران و حاکمان در جهت مصالح و منافع مردمی کار نمی کنند حتی آن دسته از کشورهای اسلامی که انتخابات دارند باز هم از دخالت قدرتها بی نصیب نمی مانند. و البته جامعه اسلامی کشور ما ایران هم از این نوع سعی و تلاش ها بی نصیب نبوده و نخواهد بود.

۶- دنیا زدگی سیاستمداران:

به جای اینکه به فکر تأمین حق و عدالت در جامعه و تأمین رفاه برای مسلمانان باشند، در پی جمع آوری مال و ثروت و دروغ و فساد هستند و این موجب تضعیف دولتهای اسلامی است و وقتی سیاستمداران چنین باشند، هیچ وقت در پی وحدت اسلامی بر نمی آیند. چه اینکه این گروه از سیاست مداران برای دستیابی به متاع دنیا حاضرند حتی وحدت جهان اسلام را فدا کنند و نیز برای حفظ جایگاه خود حاضر نیستند تهدیدات استکبار را نادیده بگیرند و به وحدت بگرایند و خود را فدای وحدت اسلامی نمایند.

۷- دیگر عامل درونی غفلت از اولویتهای جهان اسلام است.

اگر توجه مسلمانان به مسائل مهم دنیای اسلام نظیر مسأله فلسطین، کشمیر، لبنان و ... معطوف می بود و سعی همه بر این بود که در پی حل این مشکلات و مقابله با دشمنان برآیند، وحدت اسلامی خود به خود در میان ملتها جریان می یافت. همچنین دولت های اسلامی همت و سعی خود را در استفاده از ظرفیتهای موجود برای به تفاهم رسیدن مسلمانان به کار نمی گیرند. مثلاً

سازمان کنفرانس اسلامی و بانک اقتصاد اسلامی و مجامع اینچینی می‌تواند در روند اتحاد و جوامع مسلمان نقش بسزائی داشته باشند. اما متأسفانه چنانچه در پیش ذکر شد وابستگی کشورها به قدرتهای غرب باعث می‌شود از این ظرفیت‌ها به شکل نارسا استفاده شود و فقط شکل صوری داشته باشند. بی‌توجهی مسلمانان به اولویتهاست که باعث می‌شود مذاهب اسلامی برای مسائل کوچکتر با هم نزاع کنند و حاضر نشوند برای مسائل مهمتر با هم وفاق داشته باشند. (مؤمنی ۱۳۸۹: ۱۳) به طور خلاصه باید گفت؛ عوامل و موانع متعددی بر سر راه «اتحاد مسلمانان» وجود دارند که هم به درون جامعه اسلامی باز می‌گردند و هم به نقش عوامل بیرون از جامعه اسلامی، که باید مورد مطالعه قرار گیرند. اگر این موانع از سر راه جامعه اسلامی برداشته شود و جهان اسلام به اسلام اصیل که حاوی کاملترین برنامه زندگی فردی اجتماعی است. عمل کنند امید می‌رود، میوه «وحدت» بر درخت اسلام به ثمر بنشیند.

### راهکارهای همگرایی ایران با کشورهای خلیج فارس:

جمهوری اسلامی ایران بر اساس اشتراکات دینی و منافع منطقه‌ای و جهان اسلام، همکاری و همگرایی با کشورهای خلیج فارس را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی خویش قرار داده است، و در جهت تحقق این موضوع از هر راهکار منطقی که تأمین‌کننده منافع تمامی کشورهای این منطقه باشد استقبال می‌نماید. نظام جمهوری اسلامی ایران از آنجا که برخاسته از منابع اصیل الهی و اسلامی می‌باشد، تنها به منافع مادی کشور خود در برقراری روابط با سایر کشورها بسنده نمی‌کند بلکه در این زمینه از جایگاه انسانی اسلامی می‌نگرد.

فصل دهم قانون اساسی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را اینگونه بیان می‌دارد: تأکید بر وحدت ملل اسلام با استفاده از آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون» جلوگیری از سلطه‌جویی و سلطه‌گری براساس آیه کریمه «ولن يجعل الله للکافرین علی المسلمین سبیلاً» حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، احترام به اصل منع مداخله در امور داخل کشورها و... بر این اساس جمهوری اسلامی ایران ضمن رعایت ارزش‌های الهی فوق احترام به حق حاکمیت سایر کشورها و تلاش برای ارتقای سطح عزت و استقلال کشورهای اسلامی، سعی در برقراری و گسترش روابط خود براساس اصل عدم مداخله، رعایت احترام متقابل، حضور پر قدرت و با عزت در صحنه بین‌الملل، با دیگر کشورها نموده است که در این راستا اولویت به برقراری روابط با کشورهای اسلامی منطقه براساس ارزش‌های اسلامی و انسانی، منافع ملی و مصالح کشور می‌باشد. در ادامه به صورت مختصر به برخی از راهکارهای همگرایی ایران با کشورهای خلیج فارس اشاره می‌شود:

یکم. راهکارهای سیاسی:

وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تبلیغات سوئی که توسط قدرتهای جهانی و صهیونیسم بر علیه جمهوری اسلامی داشته و دارند، فضائی از بی اعتمادی و بدبینی را در میان سران بسیاری از کشورهای خلیج فارس نسبت به جمهوری اسلامی به وجود آورده، از این رو یکی از راهکارهای اساسی و همیشگی در این زمینه سیاست تنش زدایی و خنثی سازی این جو تبلیغاتی کاذب می باشد؛ فرایند اعتمادسازی در برگیرنده ارائه برخی مفاهیم مشترک در موضوعات منطقه ای است و مهمترین هدف اعتماد سازی، کاهش و زدودن سوء تفاهات میان دولت های منطقه است و می تواند شامل اقدامات رفع تهدیدهای سیاسی و نظامی، کاهش بحران و منازعات و اختلافات فیما بین از طریق گفتگو، ارتباط مستقیم و مذاکرات دو چند جانبه، تبادل نظر مداوم و سیستماتیک، تبادل داوطلبانه اطلاعات و وسایل گوناگون برای درک دیدگاه ها و نیازهای یکدیگر و ... می گردد. هم اکنون مهم ترین دغدغه کشورهای حوزه خلیج فارس، یک دغدغه امنیتی باشد. جمهوری اسلامی همواره بر روی سیستم امنیت دسته جمعی در خلیج فارس تاکید دارد. استراتژی امنیت دسته جمعی مورد نظر ایران برای خلیج فارس بر سه اصل استوار است:

۱. حفظ امنیت خلیج فارس از سوی تمام کشورهای حوزه خلیج فارس ۲. خروج بی قید و شرط نیروهای نظامی خارجی از خلیج فارس ۳. گسترش همکاری ها در تمامی سطوح میان کشورهای حوزه خلیج فارس. کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس با اتخاذ مواضع مشترک پیرامون مسائل بین المللی، می توانند ظرفیتهای موجود خود را در راستای ارتقای نقش جهان اسلام به نحو بایسته و شایسته عملی نمایند. البته این مهم زمانی فعلیت می یابد که با همگرایی، باب نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی مسدود شود. از سوی دیگر تلاش ایران برای رسیدن به فناوری هسته ای، معادلات امنیتی آمریکا در منطقه خلیج فارس را برهم زده است و هرچند که آمریکا تلاش دارد بین کشورهای منطقه و ایران نوعی واگرایی ایجاد کند اما در دراز مدت چون ایران از نظر ژئوپلیتیکی و امنیتی قدرت مسلط منطقه است، در نهایت به همگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس با ایران منجر خواهد شد. و بالاخره شرکت فعال و استفاده بهینه از سازمانهای منطقه ای نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، غیر متعهدها، اوپک و ..... می تواند زمینه های همگرایی بیشتر را در میان اعضا فراهم آورد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۲۳)

دوم. اقدامات فرهنگی:

کشورهای اسلامی با توجه به مشترکات فرهنگی، مذهبی و سیاسی، قابلیت بالایی را برای همگرایی دارا هستند. در شرایط کنونی، بهترین تبلور این همسویی را می توان در برگزاری فریضه حج ارزیابی نمود که مسلمانان از سراسر دنیای اسلام برای برگزاری این فریضه الهی و طواف پیرامون قبله ای مشترک، راهی مکه معظمه می شوند و اجتماع عظیم آنان، در دنیا سابقه ندارد.

همچنین عملی نمودن راهبرد «انسجام اسلامی» که از سوی مقام معظم رهبری به عنوان راهبرد سال جاری تبیین گردید، می‌تواند جایگاه کشورهای اسلامی را در عرصه مناسبات سیاسی و بین‌المللی به عنوان یک بازیگر مطرح با وزن سیاسی قابل اعتنا، ارتقا دهد.

از سوی دیگر مهمترین پیش شرط همگرایی از میان بردن عوامل واگرا است؛ بر این اساس ابتدا باید هرگونه نفوذ دولتهای خارجی را در منطقه بی اعتبار کرد. به این منظور باید اولاً دست به تبلیغات فرهنگی زد و به عبارت دیگر تمام کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را تشویق به بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی نمود. چرا که از چندین سال قبل یک نیروی خارجی سعی دارد در مناطق جنوبی خلیج فارس تخم اختلاف بپاشد؛ اختلاف بین مهاجران و بومیها، بین نیروهای متجدد و پیشرو و نیروهای سنتی، بین شیخ نشینهای مختلف، بین شیعه و سنی و بین عرب و عجم و در مجموع هم این بخش را در تضاد با ایران قرار دارد. هدف این حرکت که از حدود ۵۰ سال قبل شروع شد، بر همزدن یکپارچگی خلیج فارس بود. باید با تبلیغات فرهنگی و آموزشی هویت اصیل و اسلامی خلیج فارس را زنده نگه داریم در این راستا تأسیس دانشگاه جهانی خلیج فارس و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای حاشیه خلیج فارس توسط این دانشگاه می‌تواند عامل بسیاری از اصرارها برای اختلافات نظیر تغییر نام خلیج فارس و ادعا بر جزایر سه گانه از نداشتن و جهل منشأ می‌گیرد، که این دانشگاه می‌تواند با تدریس درسی تخصصی خلیج فارس ریشه‌های این مشکلات را بخشکاند. همچنین تحصیل به زبان فارسی در این دانشگاه نوعی همگرایی خواهد بود. (حیدری عیدی، ۱۳۷۸: ۴۳)

سوم. راهکارهای اقتصادی:

راهکارهای اجرایی برای توسعه روابط اقتصادی، توافق‌نامه‌های دوجانبه و چند جانبه تجاری، سرمایه گذاری مشترک در صنایع فولاد، پتروشیمی، پالایشگاه، آب و برق و هتل سازی ایجاد منطقه آزاد بازرگانی و... از جمله راهکارهای اقتصادی است که زمینه‌های مشترک همکاری و همگرایی را فراهم می‌آورد. به این ترتیب با گره خوردن منافع اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس، صلح، امنیت، دوستی و همکاری حاکم خواهد شد و دیگر نیازی به صرف حجم هنگفتی از ثروت ملل مسلمان منطقه برای بالابردن ضریب امنیتی و خرید سلاح از قدرتهای ایجادکننده زمینه‌های توهّم ناامنی، نخواهد بود.

وضعیت کلی منطقه خلیج فارس یک مجموعه به هم بافته و دارای روابط خاص به هم مرتبط درونی است. الگوی جهت گیری و تصمیم گیری این مجموعه به لحاظ ارتباط تنگاتنگ و تاثیر گذاری مستقیم بر منافع سایر کشورهای حوزه خلیج فارس باید بر مبنای ضرورتها و منافع همگانی تعیین شود و اقدامات و اهداف زیر مد نظر قرار گیرد:

الف- کشورهای منطقه باید با تقویت و تحکیم روابط سیاسی و همکاریهای همه جانبه منطقه ای و



تشکیل کمیته‌های کارشناسی برای استفاده از توانمندیهای اقتصادی یکدیگر، برنامه ریزی و منطقه خلیج فارس را از یک منطقه نفتی محض به یک منطقه اقتصادی و صنعتی تبدیل کنند.

ب- به منظور تمرکز فعالیتهای جمعی کشورهای حوزه خلیج فارس در قالب تأمین امنیت و تحقق توسعه اقتصادی و وصول اهداف راهبردی منطقه‌ای، تشکیل جامعه یا سازمان منطقه‌ای با نام «جامعه اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس» ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است در صورت تحقق اهداف یاد شده علاوه بر شکوفایی و رونق اقتصادی منطقه، شاهد حضور مقتدرانه کشورهای حوزه خلیج فارس در عرصه‌های بین‌المللی از طریق ایجاد وحدت در اتخاذ کنشها و رویه‌های سیاسی خواهیم بود. در این حالت است که نقش حیاتی همگرایی و فعالیت مشترک اقتصادی در ایجاد بستری مستحکم در جلب اعتماد، اطمینان و مشارکت در تمامی زمینه‌ها اثبات می‌شود. به عبارت ساده‌تر همگرایی اقتصادی، زمینه‌ساز پایداری و استحکام همگرایی سیاسی است. (مقتی، ۱۳۷۵: ۱۴)

### نتیجه‌گیری

باید گفت که کفهی ترازوی واگرایی در خلیج فارس سنگین‌تر از کفهی همگرایی می‌باشد و تا همگرایی کامل و اتحاد فاصله زیادی است و تا نگرشها و برداشت‌ها تغییر نکند همگرایی امکان‌پذیر نیست. اسلام یکی است ولی تضاد برداشت‌ها و برداشت‌های متفاوت باعث تفرقه و چند اسلامی و ظهور بنیادگراها گردیده است. انقلاب اسلامی ایران، با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت بخشی همچون حمایت از ملل محروم و مستضعف، حمایت از نهضت‌های دینی و جنبشهای اسلامی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی و اتحاد امت اسلامی و نیز با عنایت به تسری و گسترش ارزشهای اسلامی و انسانی به کشورهای تحت ستم و ملل مسلمان و تأسیس نهادهایی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی‌العالمیه) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی جهت تربیت نیروهای متخصص اسلامی و نزدیک ساختن دیدگاه‌های نخبگان فکری و سیاسی جهان اسلام در مساله همگرایی ملتهای مسلمان توانسته است فرصتهای زیادی ایجاد نماید.

اما در سطح سیاسی و دولتها با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بوده است، چرا که انقلاب اسلامی وقتی به پیروزی رسید با توجه به ناعادلانه دانستن ساختار نظام بین‌الملل، خواستار تحول در آن و شکل‌گیری نظام عادلانه جهانی بر مبنای منافع تمام کشورهای جهان و شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای بدون حضور ابرقدرتهای جهانی گردید. بنابراین از طرفی با واکنش قدرتهای بزرگ (آمریکا و شوروی) مواجه شد و آنها یکسری اقداماتی را برای مقابله و تضعیف انقلاب اسلامی ایران انجام دادند، و از سوی دیگر با توجه به تأکید انقلاب اسلامی بر نقش مردم، و با عنایت به اینکه اکثریت

دولتهای اسلامی غیر مردمی و وابسته به قدرتهای خارجی بودند، این دولتها نیز در مقابل انقلاب ایران جبهه گیری کرده و واکنشهایی از خود نشان دادند که از جمله آنها ایجاد تفرقه میان ملتهای اسلامی و جداسازی آنها از انقلاب اسلامی با ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی و تشدید تضاد عرب و عجم بود و در شکل گیری نظم نوین منطقه ای تلاش نمودند از طریق ایجاد شورای همکاری خلیج فارس، نقش ایران اسلامی را محدود سازند.

## منابع:

- جان، اسپوزیتو (۱۳۸۹). **جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)**، ترجمه‌ی شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
- السید رضوان (۱۳۸۳). **اسلام سیاسی معاصر: در کشاکش هویت و تجدد**، ترجمه‌ی مجید مرادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- بابی سعید (۱۳۷۹). **هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی**، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). **اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی**، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۲). **رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا**، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱). «چالش‌های ژئوپولیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۸۰.
- حکیم، سید محمد باقر (۱۳۷۷). **وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)**، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده، تهران: تیبان.
- حیدری عبدی، احمد (۱۳۷۸). «اتحادیه منطقه‌ای خلیج فارس؛ موانع و مشکلات شکل‌گیری»، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال چهاردهم، شماره ۱۴۶-۱۴۵، مهر و آبان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). **صحیفه امام**، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۶). **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه علیرضا طیب وحید بزرگی، چاپ دوم، تهران: قومس.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل (جزوه درسی)**، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- رازی فخرالدین محمد (۱۴۱۴ق). **تفسیر کبیر**، ج ۸، بیروت: دارالمعرفه.
- صادقی، علی و شوشتری، سید محمدجواد (۱۳۸۹). «همگرایی کشورهای اسلامی، چالش‌ها و راهکارها»، **چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام**، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۶). «امام خمینی (ره) و جنبش‌های اسلامی معاصر»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۵.

- صلاح الدین حسام (۱۳۷۹). «وحدت و ضرورت آن»، **وحدت مسلمین** (دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات).
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۴ق). المیزان، ج ۲، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران»، **فصلنامه دانش سیاسی**، شماره دوم، ۱۳۸۷.
- فیرحی داوود (۱۳۸۲). **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- فیشر، مایکل (۱۳۸۳). **ایران از مباحثات مذهبی تا انقلاب**، ترجمه‌ی حسین مطیعی امین، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸). **روابط بین الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: سمت.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۵). «شاخص‌ها و چالش‌های الگوی امنیتی یک قطبی در خلیج فارس»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۱۰، تابستان.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸). «امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال چهاردهم، شماره ۱۴۵-۱۴۶، مهر و آبان.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). **تحول در نظریه‌های روابط بین الملل**، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۸۹). «فرایند جهانی شدن و چالش‌های آن در کشورهای جهان اسلام»، **چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام**، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- میرآقایی، سید جلال (۱۳۷۹). **جهان اسلام، مشکلات و راهکارها**، تهران: نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- دکمجیان، هریرا (۱۳۷۹). **جنبش‌های اسلامی در جهان عرب**، ترجمه‌ی حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات کیهان.

- Eqbal, Ahmad. (1982). "Comments on Skocpol". Theory and Society. vol.13, no.5.

- Kedi, Nikki. (1982). "Comments of Skocpol". Theory and Society. No. 11.

- L. Goldfrank, Walter. (1982). "Commentary on Skocpol". Theory and Society. No. 11.

- Skocpol, Theda. ( may 1982). "Rentier State and Shi'a Islam in the Iranian Revolution". Theory and Society. Vol 11.